



وضعیت اقتصادی عراق: قبل و بعد از اشغال نظامی

میرسعید مهاجرانی

عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین (ع)

چکیده

کشور عراق به عنوان یکی از مهمترین کشورهای همجوار جمهوری اسلامی ایران و دومین کشور شیعه‌نشین جهان اسلام از جوانب مختلف از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. به نظر می‌رسد بررسی وضعیت این کشور و تأثیرات احتمالی آن بر اقتصاد و امنیت ملی کشورمان در این مقطع زمانی ضرورت داشته باشد. مروری گذرا به سابقه وضعیت اقتصادی این کشور بویژه از زمان روی کار آمدن و قدرت گرفتن حزب بعث و بررسی سه واقعه مهم در این کشور، یعنی جنگ با ایران، اشغال کویت و جنگ اول خلیج فارس و پیامد آن، تحمل تحریم اقتصادی و بروز جنگ سلطه و اشغال نظامی این کشور توسط نیروهای ائتلاف از جمله مواردی است که در این مقاله بررسی خواهد شد.

کلید واژه‌ها: عراق، مسائل اقتصادی، اشغال نظامی، همسایه ایران

مقدمه

عراق در دهه ۱۹۸۰ به عنوان یکی از پیشرفته‌ترین و قدرتمندترین اقتصادهای جهان عرب به شمار می‌رفت و از یک بخش صنعتی قوی، سیستم حمل و نقل نسبتاً پیشرفته، و در مقام مقایسه از زیرساختارهای مناسبی برخوردار بود. درآمد سرانه این کشور در حد ونزوئلا و کره جنوبی بود و سیستم آموزشی آن در جهان عرب از بهترین‌ها به شمار می‌رفت. اقتصاد متمرکز این کشور به درآمدهای نفتی کاملاً وابسته بود. در دهه ۱۹۸۰ خصوصی‌سازی را نیز تجربه، و سعی کرد اقتصاد بازار آزاد را تا حدودی تجربه کند ولی این امر با شروع جنگ اول خلیج فارس متوقف شد.

از سال ۱۹۹۱ به مدت دوازده سال، ظرفیت تولید صنعتی و کشاورزی آن نابود شد و سیستم حمل و نقل و زیرساخت‌های این کشور کاملاً آسیب دید. صادرات نفت در سطح برنامه غذا در مقابل نفت سازمان ملل (OFFP)^(۱) که در سال ۱۹۹۵ به بعد به اجرا درآمد، محدود شد. تأسیسات اقتصادی متعددی در جنگ اخیر ویران و نابود شد. با این حال، منابع عظیم نفتی می‌تواند به عنوان موتور رشد و توسعه این کشور در آینده عمل کند. نکته مهم این است که عراق از گذشته خود چگونه درس بگیرد و خودش را با وضعیت آینده منطبق و سازگار سازد.

در اینجا به اختصار به سابقه حکومت و دولت در عراق می‌پردازیم و سپس وضعیت اقتصادی این کشور را مورد بررسی قرار می‌دهیم. تاریخچه حکومت عراق در قرن بیستم را می‌توان به سه دوره جدا تقسیم کرد:

۱- دوره اول (۱۹۵۸-۱۹۲۱)

حکومت سلطنتی در ابتدا تحت نظارت مستقیم انگلستان بود و در اواخر این دوره تحت نفوذ دولت انگلیس قرار داشت. در اوایل این دوره، ملک فیصل اول حکومت

می‌کرد. عراق در سال ۱۹۳۲ به استقلال رسید ولی همچنان با پیمانهای دوجانبه‌ای که بین آنها برقرار بود، قیومیت و سلطه انگلستان و نقش آن در حکومت عراق مشخص بود. بویژه در زمینه امور دفاعی و امور خارجه. در جولای سال ۱۹۵۸ گروهی از افسران جوان، کودتایی را راه‌اندازی کردند که در اثر آن، شاه و افسران عالی‌رتبه آن کشته، و تعداد زیادی از مأموران عالی‌رتبه زندانی شدند و حکومت جمهوری اعلام گردید.

اقتصاد این کشور با افزایش درآمدهای نفتی در دهه ۱۹۵۰ توانست بر اقتصاد ملی متمرکز شود. در این زمان اقتصاد عراق عمدتاً بازار مدار بود اما بیشتر از اصول فتووالی و سنتی پیروی می‌کرد تا از اصول پیشرفته. در سال ۱۹۵۰ هیئت توسعه اقتصادی تشکیل شد که سه اولویت مهم را در نظر گرفت:

- کشاورزی

- حمل و نقل و ارتباطات

- عمران و خانه‌سازی

عمده درآمد نفتی کشور، صرف سرمایه‌گذاری در زمینه‌های سرمایه‌ای و توسعه زیرساختها می‌شد. با نادیده انگاشتن نخبگان و کارگران، حکومت، زمینه را برای انقلاب سال ۱۹۵۸ فراهم آورد.

۲- دوره دوم (۱۹۶۸-۱۹۵۸)

این دوره را می‌توان، دوران حکومت نظامیان نامید. افسران جناح چپ ملی‌گرا حکومت سلطنتی را برانداختند. رهبر آنان ژنرال عبدالکریم قاسم بود که به روابط عراق و غرب پایان داد و سیاستهای دولت عراق را به سمت شوروی هدایت کرد. وی نیز در سال ۱۹۶۳ در اثر یک کودتا به قتل رسید. جانشینان وی ژنرال عبدالسلام عارف و

عبدالرحمان عارف با اتخاذ تدابیر میانه‌روتر با کشورهای خاورمیانه بویژه مصر در دوران جمال عبدالناصر روابط مناسبتری برقرار کردند.^(۲) پس از شکست اعراب در جنگ با اسرائیل، حکومت عبدالرحمان عارف نیز در ۱۷ جولای ۱۹۶۸ توسط حزب بعث کنار گذاشته شد.

در این دوره دهساله، سیاستهای اقتصادی رژیم گذشته تفاوت‌های بسیاری یافت. ژنرال قاسم کاملاً تحت تأثیر مدل‌های سوسیالیستی بود و بر آنها تأکید می‌ورزید؛ از جمله اقتصاد برنامه‌ریزی شده تأثیرات اقتصادی خارجی و اجرای اصلاحات ارضی هیئت توسعه کنار گذاشته، و وزارت برنامه‌ریزی تشکیل شد. وی در ژوئن سال ۱۹۷۲ شخصاً شرکت نفتی انگلیسی IPC را ملی اعلام کرد و برای از بین بردن نظام فئودالی به اصلاحات ارضی و توزیع مجدد زمینهای کشاورزی اقدام کرد. سیاستهای اقتصادی قاسم توسط دو جانشین وی (برادران عارف) ادامه یافت و بخش عمومی نقش فعالتری در اقتصاد کشور ایفا کرد. وی در جولای سال ۱۹۶۴ تمامی بانکها و شرکتهای بیمه را ملی اعلام، و در همان ماه سایر شرکتهای سازماندهی مجدد، و سود آنها را بین کارگران تقسیم کرد و کارگران را در مدیریت کارخانجات مشارکت داد. این اقدامات به فرار سرمایه و خروج مدیران لایق و آموزش دیده منجر، و رکود صنعتی را در دهه ۱۹۶۰ موجب شد.

۳- دوره سوم (۱۹۶۸-۲۰۰۳)

این دوره را می‌توان دوران حکومت رژیم بعثی نامید. رهبران بعثی سرعت قانونی حزبی را بنا نهاده در اوایل دهه ۱۹۷۰ صدام حسین برتری خود را در رهبری حزب آشکار کرد. در سال ۱۹۷۹ صدام حسین، رئیس جمهور وقت، حسن البکر، راکنارزد و خود رئیس جمهور شد.

در سالهای اول این دوران، اصول سوسالیستی حزب بعث اقتضا می‌کرد که همان سیاستهای اقتصادی رژیم قبلی دنبال شود. دولت برای مدیریت بر منابع، نقش برنامه‌ریزی اقتصادی مرکزی را ایفا می‌کرد. هزینه‌ها عمدتاً به سه گروه تقسیم می‌شد:

۱- بودجه اجرایی دولت

۲- بودجه سرمایه‌گذاری

۳- بودجه واردات سالانه

افزایش در آمد نفت موجب شده بود که دولت عراق افزون بر این موارد به رفاه عمومی، توسعه زیرساختها و حتی مدرنیزه کردن نیروهای مسلح نیز بپردازد. پس از یک دوره رخوت در عرصه بین‌المللی در اوایل ۱۹۷۰، صدام با کشورهای خاورمیانه و در اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ روابط خود را با امریکا در سال ۱۹۸۴ برقرار کرد. روابط تجاری با امریکا رونق گرفت و از حمایت امریکا در جنگ ایران - عراق برخوردار شد؛ جنگی که ۸ سال به طول انجامید و میلیون‌ها کشته بر جای گذاشت و عراق را کاملاً تضعیف کرد به گونه‌ای که بدهی ۸۰ میلیون دلاری به کشورهای عربی نفت خیر به بار آورد.

افزایش هزینه‌های اقتصادی، که ناشی از بروز جنگ ایران و عراق بود به این منجر شد که صدام برنامه نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ را تغییر دهد و تا حد زیادی ایدئولوژی سوسیالیستی را کنارگذارد و بطور واقع‌گرایانه به اصلاحات اقتصادی رو آورد. در ژوئن ۱۹۸۷ صدام اعلام کرد که از این به بعد دولت نباید به فعالیتهای غیراقتصادی بپردازد. لذا در همان سال دولت، قانون کار را کنار گذاشت و تضمین اشتغال کامل را حذف کرد و گامهایی در راستای خصوصی‌سازی برخی بنگاه‌هایی برداشت که تحت مالکیت دولتی بود از جمله کارخانه‌های اتوبوس‌سازی، ایستگاه‌های پمپ بنزین، بنگاه‌های کشاورزی، فروشگاه‌ها و کارخانجات دولتی. همچنین در سال ۱۹۸۷ تسهیلاتی برای شرکتهای

سرمایه‌گذاری خارجی به منظور سرمایه‌گذاری در عراق فراهم شد. تجاوز عراق به کویت و حوادث بعد از آن، صحنه اقتصادی عراق را کاملاً دگرگون ساخت. پس از آن عمده تلاش دولت عراق در راستای خنثی کردن مجازاتهای بین‌المللی قرار گرفت که در اثر این تجاوز به او تحمیل می‌شد و حتی برنامه نفت در برابر غذا، دریافت کمکهای بشر دوستانه، تجارت محدود نیز اعمال گردید. این وضعیت ادامه داشت تا اینکه دولت بوش تصمیم به حمله نظامی به عراق و تمام کردن غائله کویت گرفت.

سیاستهای کلان اقتصادی عراق

یکی از ویژگیهای برجسته اقتصاد عراق، کنترل و نظارت شدید دولت بوده است. همه دولتها از زمان قیمومیت انگلستان تا زمان حکومت صدام یک هدف مشترک را دنبال کرده‌اند: «ثابت نگهداشتن قیمتها و ایجاد ثبات در مصرف». هدف دوم راضی نگهداشتن افرادی بود که به نوعی توسط دولت به استخدام درآمده بودند. هشت سال جنگ با ایران موجب شد که ذخایر ارزی به پایان برسد و کشور به استقراض خارجی رو آورد. جنگ اول خلیج فارس و مجازاتهای اقتصادی که بر عراق اعمال شد محدودیتهای جدیدی را برای اقتصاد نحیف عراق ایجاد کرد. به رغم اینکه داده‌های آماری درباره اقتصادی عراق کمتر گزارش می‌شد، می‌توان گفت که اقتصاد این کشور از سال ۱۹۸۰ به بعد، کاهش تولید ناخالص داخلی، تورم شدید، کاهش ارزش پول، کاهش سرمایه‌گذاری خارجی و افزایش بار بدهی‌های خارجی را تجربه کرد.

روند اقتصادی عراق

همان‌گونه که ذکر شد دولت از ابتدا نقش مسلط را در امور اقتصادی ایفا می‌کرد به

گونه‌ای که در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ برخی مصادره‌ها و ملی کردن صنایع اتفاق افتاد. در بخش کشاورزی، مصادره زمین‌های کشاورزی زودتر از توزیع مجدد زمینها صورت پذیرفت. صنعت نفت طی مراحل طی سال ۱۹۶۱ تا ۱۹۷۳ ملی گردید. صنایع با مقیاس وسیع، بانکداری، بیمه و خدمات بیمه‌ای نیز در سال ۱۹۶۴ ملی شد. اقدام به ملی کردن این موارد به دولت اجازه داد تا دیگر مراکز قدرت رقیب را تضعیف کند؛ از جمله شرکتهای نفتی خارجی و مجمع تجاری شیعیان.

از سال ۱۹۶۸ رژیم بعثی بر صنعتی کردن اقتصاد تأکید بیشتری کرد. دولت به طرح‌ریزی دو برنامه پنجساله بین سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰، اقدام کرد. برنامه اول عمدتاً بر استقلال اقتصادی متکی بود که بر ملی کردن صنعت نفت و سرمایه‌گذاری روی بخش صنعت نفت متمرکز بود. برنامه دوم (۸۰ - ۱۹۶۷) با افزایش بهای نفت همراه بود و منابع مالی به اندازه کافی برای سرمایه‌گذاری وجود داشت و حدوداً ۱۴/۲ میلیارد دلار در آمد نفتی برای هزینه کردن موجود بود. در طی این دوره مجتمعهای صنایع سنگین، مجتمع پتروشیمی بصره، کارخانجات آهن و فولاد در خورالزبیر،^(۳) تولید سولفور و فسفات و صنایع کود شیمیایی ایجاد و گسترش یافت.

بخش گسترده‌ای از این ساختار صنعتی در زمان آغاز جنگ با ایران هنوز بطور کامل مورد بهره‌برداری قرار نگرفته بود. حملات نظامی مستقیم به صنایع اطراف بصره در مقایسه با عدم توانایی عراق در تأمین قطعات بدکی یا صادر کردن نفت به دلیل خسارت دیدن بندرها اهمیت کمتری داشت. در طی جنگ با ایران، مدیریت اقتصادی عراق بر این عقیده بود که عراق می‌تواند بدون اینکه صدمه‌ای به تأسیسات اقتصادی اش وارد شود سرعت و طی مدت اندکی جنگ را پایان دهد. بر این اساس به استقرض به منظور تأمین مالی هزینه‌های جنگ اقدام کرد.

در برنامه اول توسعه، اولویتها بخوبی مشخص نشده بود. زیرساختهای صنعتی بدون

توجه به وضعیت حمل و نقل و تنگناهای عرضه ایجاد شده بود و کارگران غالباً از تواناییهای فنی، که لازمه کار در واحدهای صنعتی بود، برخوردار نبودند و کمبود مهارتهای مدیریتی و اجرایی برای اداره بخش خصوصی و بخش عمومی به چشم می‌خورد. مدیران ارشد و عالیرتبه به پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری تمایلی نداشتند و سیاستهای اقتصادی به صورت غیر انعطاف‌پذیری اجرا می‌شد.

در سال ۱۹۸۷ دولت برخی از اصلاحات اقتصادی را به منظور افزایش انعطاف‌پذیری و بازارمداری اقتصاد در پیش گرفت. نظارت بر قیمت مواد اولیه را حذف کرد و بسیاری از بخشهای اقتصاد را چه به صورت فروش مستقیم داراییها به سرمایه‌گذاران بومی (در قالب بازار سهام) و چه به صورت اجاره بلند مدت داراییهای دولتی، خصوصی‌سازی کرد.

مهمترین نمونه آشکار آن، خطوط هوایی عراق بود که قسمت عمده این شرکت به عموم فروخته شد. دولت همچنین پرداخت یارانه‌های دولتی را به بنگاه‌ها قطع کرد تا به بخش کشاورزی کمک کند. قانون کار، که اشتغال کارگران را تضمین می‌کرد و دست کارفرماها را بسته بود، کنار گذاشته شد و بسیاری از مدیران یقه سفید بنگاه‌های دولتی از کار برکنار شدند. دولت، محدودیتهای سرمایه‌گذاری مستقیم را کاست و مالکیت محدود خارجیان و سرمایه‌گذاری در پروژه‌ها را امکانپذیر کرد. این اصلاحات موجب شد که دولتهای غربی به عراق وام بیشتری پرداخت کنند تا در پروژه‌های توسعه به کار گیرد. اصلاحات مذکور خیلی دوام نیاورد و با شروع جنگ با ایران متوقف شد. تا سال ۱۹۸۹ بحران اقتصادی عمیقتر شد و استانداردهای زندگی برای بیشتر مردم عراق کاملاً کاهش یافت که دوام رژیم بعث را تهدید می‌کرد. علاوه بر این موفقیت برنامه خصوصی‌سازی تحت تأثیر قرار گرفت و بسیاری از بنگاه‌های اقتصادی زیر قیمت واقعی به فروش می‌رسید. در چنین وضعیتی، دولت، دوباره کنترل و نظارت بر قیمتها را

شروع کرد و تعدادی از بنگاه‌های اقتصادی دولتی را مجدداً ملی اعلام کرد و یارانه‌های پرداختی به بخش صنعت و کشاورزی را افزایش داد.

جنگ اول خلیج فارس و حمله به کویت و مجازات‌های اقتصادی ناشی از آن، اقتصاد عراق را کاملاً ضعیفتر کرد. بمباران‌های هوایی سالهای ۹۱-۱۹۹۰ به بسیاری از زیرساخت‌های نفتی، حمل و نقل، برق، آب، و سایر زیرساخت‌های صنعتی بسیار آسیب وارد کرد. دولت ابتدا به تعمیر و بازسازی زیرساخت‌های نفتی و ارتباطات پرداخت. سپس برنامه جیره‌بندی توزیع مواد غذایی و مصرفی را به اجرا درآورد. از آنجا که اقتصاد عراق کاملاً به درآمدهای نفتی وابسته بود، مجازات‌های اقتصادی بر اقتصاد عراق تأثیر گذاشت و رژیم بعثی را تحت فشار قرار داد. به طور کلی می‌توان گفت که دهه ۱۹۹۰ برای اقتصاد عراق، دوران کمبودها، جیره‌بندی مواد غذایی، تورم شدید و از بین رفتن تجارت خارجی بود.

تولید ناخالص داخلی

به دلیل رازداری رژیم صدام و عدم ارائه آمارهای قابل اعتماد، کمبودها و نبودن آمار قابل دسترس در دوره حکومت صدام مشاهده می‌شود. آمارهای موجود عمدتاً به دوره اعمال مجازات‌های اقتصادی مربوط است. براساس آمارهای یک منبع در دوره ۱۹۵۰ تا ۲۰۰۰ به قیمت‌های ثابت ۱۹۸۰ میزان تولید ناخالص داخلی در سال ۱۹۸۰ با مبلغ ۵۳/۹ میلیارد دلار به اوج خود رسیده و در سال ۱۹۸۹ به نصف کاهش یافته و به ۲۶/۹ میلیارد دلار رسیده است.^(۴) میزان GDP عراق در سال ۱۹۹۴ به کمترین حد خود، و به رقم ۶/۵ میلیارد دلار رسیده است. علت این کاهش، اعمال مجازات‌های اقتصادی بوده است. پس از اجرای برنامه نفت برای غذا، این رقم افزایش یافته و به ۴۶ میلیارد دلار بالغ شده است. البته تمام این ارقام تخمینی، و ممکن است نرخ ارز، یک

دینار معادل ۳/۱۱ دلار محاسبه شده باشد.

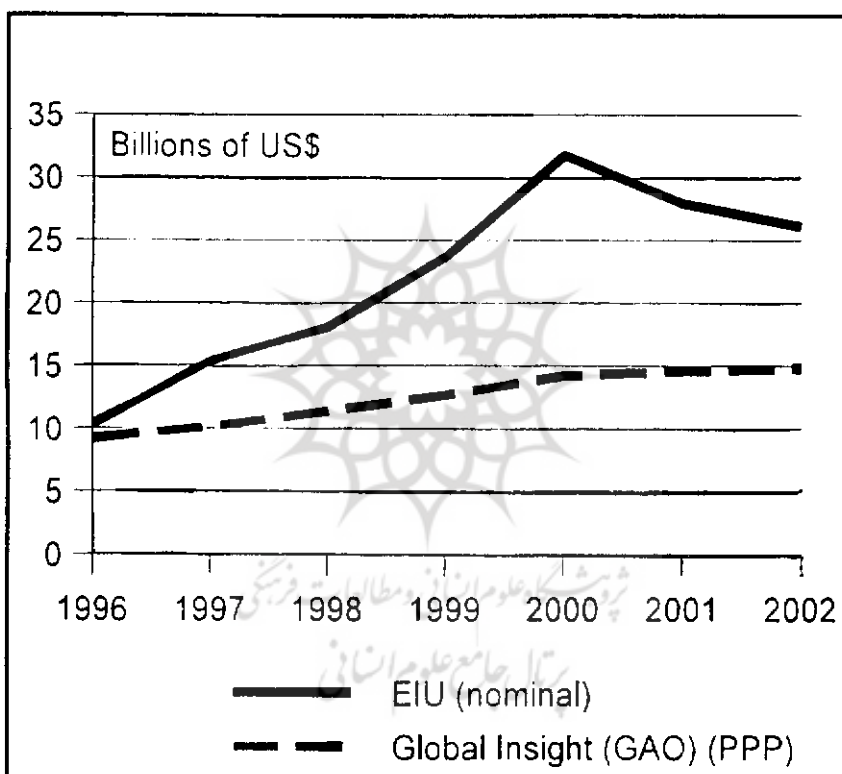
براساس گزارش مؤسسه EIU (Economist intelligence unit) میزان GDP عراق به دلار اسمی در سال ۱۹۸۹ حدود ۶۶/۲ میلیارد دلار بوده در سالهای ۲۰۰۲-۱۹۹۶، همان‌گونه که نمودار ۱ نشان می‌دهد میزان GDP از ۱۰/۸ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۶ به ۳۱/۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ افزایش یافته و در سال ۲۰۰۲ به مبلغ ۲۶/۱ میلیارد دلار برگشته است. (البته برآورد CIA با استفاده از شاخص برابری قدرت خرید (PPP) میزان GDP عراق در سال ۲۰۰۱ به میزان ۵۹ میلیارد دلار است).

منبع دیگری (GAO) GDP اسمی عراق را براساس شاخص PPP در سالهای ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۲ از ۹/۲ میلیارد دلار به ۱۴/۸ میلیارد دلار برآورد کرده است. برآوردها از میزان GDP سرانه نیز متفاوت است. براساس گفته انصراوی میزان GDP سرانه به قیمت‌های ثابت سال ۱۹۸۰ در اوج وضعیت نفت در سال ۱۹۸۰ به ۴۰۸۳ دلار رسید. وی می‌گوید در پایان جنگ ایران و عراق این رقم به ۱۵۳۷ دلار و در سال ۱۹۹۶ به ۳۴۳ دلار کاهش یافت. مجدداً با اجرای برنامه نفت برای غذا میزان GDP سرانه در اواخر دهه ۱۹۹۰ افزایش یافت و در سال ۲۰۰۰ به ۱۹۴۱ دلار رسید.

مؤسسه EIU میزان GDP سرانه را به دلار اسمی در سال ۱۹۸۷ به میزان ۳۶۷۵ دلار اعلام می‌کند. افزایش GDP از سال ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۰ را نیز از ۵۰۳ دلار به ۱۳۸۵ دلار اعلام، و اظهار می‌کند که در سال ۲۰۰۱ به ۱۱۸۴ دلار کاهش یافته است. (۵)

براساس اظهارات GAO میزان GDP سرانه از ۴۴۸ دلار در سال ۱۹۹۶ به ۶۴۴ دلار در سال ۲۰۰۲ افزایش یافته است. (۶) ارقام فوق چون از داده‌های مختلف

استخراج شده، قابل تأمل است، و چندان قابل اعتماد نیست. آنچه مسلم است در طی این دوران، نرخ برابری در آمد به گونه‌ای بوده است که نابرابری افزایش یافته و سطح رفاه جامعه عراق بسیار کاهش یافته است (علت اختلاف ارقام GDP با EIU در نرخ تبدیل ارز است چراکه GAO از شاخص PPP استفاده می‌کند).

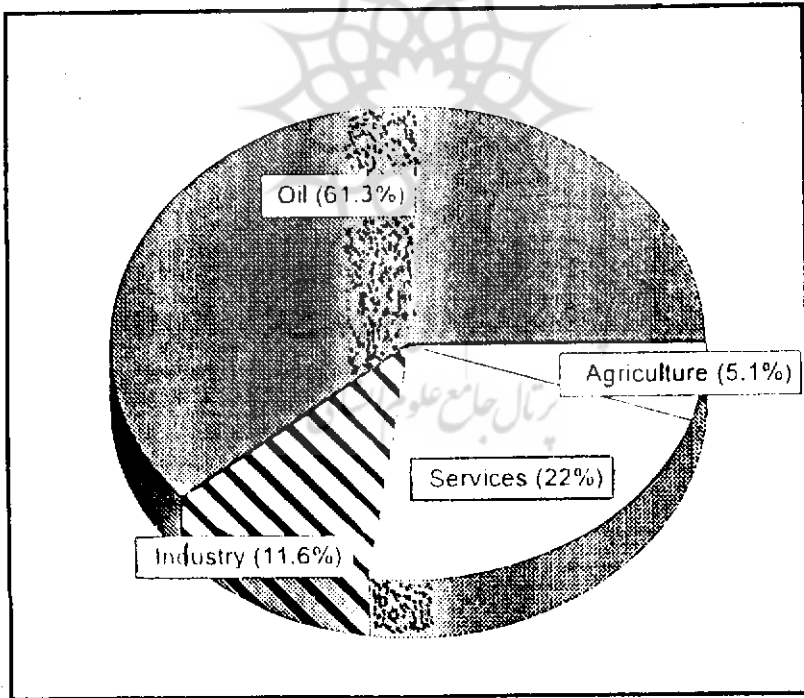


نمودار شماره ۱: تولید ناخالص داخلی عراق

منبع: EUI and Global Insight

مؤسسه EIU در اقدامی دیگر، میزان GDP عراق را به صورت بخشی به دست آورده و ارائه کرده است. این کار در سال ۱۹۸۹ انجام گرفته است. (۷) براساس این منبع، حدود ۶۰ درصد از اقتصاد عراق در طی دهه ۱۹۸۰ شامل نفت بوده است. این

سهم به دلیل تحمیل مجازاتهای اقتصادی بسیار کاهش یافت ولی تا حدودی با برنامه نفت برای غذا در سالهای ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۳ ترمیم شد. سهم کشاورزی از GDP از دهه ۱۹۶۰ رو به کاهش بوده اما از جنگ ۱۹۹۱ به بعد، سهم آن از GDP افزایش یافته است. سهم بخش صنعت از GDP در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ به دلیل اجرای برنامه‌های اقتصادی گسترده افزایش یافت ولی بعداً به دلیل وقوع جنگ و خسارات ناشی از آن احتمالاً این سهم کاهش یافت. البته باید در نظر داشت که سهم بخش کشاورزی و صنعت به این دلیل که از مواد اولیه یارانه‌ای استفاده کرده است بیش از واقع برآورد شده باشد.



نمودار شماره ۲: ترکیب بخشی تولید ناخالص داخلی عراق در سال ۱۹۸۹

منبع: Economist Intelligence Unit, 1995

پول رایج و تراز پرداختها

دینار عراق برای مدتهای طولانی یک پول قوی به شمار می‌رفت. شاید بتوان علت آن را به سیاست بانک ملی عراق نسبت داد که در دهه ۱۹۵۰ صد درصد ذخایرش را پشتوانه پول داخلی قرار داده بود.^(۸) نرخ رسمی در دهه ۱۹۷۰ بین یک دینار معادل ۳ دلار تا ۳/۳۸ دلار بوده و در سال ۱۹۸۲ به میزان ۳/۱۱ دلار تعیین شد. در دهه ۱۹۷۰ نرخهای رسمی و بازاری تقریباً با هم مطابقت داشت و تا سال ۱۹۸۰ این کشور ۳۵ میلیارد دلار ذخیره ارزی داشت. در سال ۱۹۸۷ این رقم به ۲ میلیارد دلار کاهش یافت. این کاهش عمدتاً به دلیل جنگ با ایران بود و سپس جنگ اول خلیج این مسأله را شدت بخشید.

دینار عراق در دسامبر ۱۹۹۵ به ۲۶۶۰ دینار در برابر یک دلار کاهش یافت و در دوره ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۱ بتدریج بهتر شد و بین ۱۰۰۰ تا ۲۳۰۰ دینار در مقابل یک دلار متغیر بود. گرچه رژیم عراق نرخ رسمی ارز را تغییر نمی‌داد ولی در سال ۱۹۹۹ به بانکهای دولتی اجازه داد که نرخ ارز را به ۲۰۰۰ دینار در مقابل یک دلار تغییر دهند. کاهش ارزش پول عراق در دهه ۱۹۹۰ با فرار سرمایه‌ها و مهاجرت، محدودیتهای ناشی از مجازاتهای اقتصادی و کاهش مبادلات تجاری، و افزایش دلاری شدن اقتصاد عراق شدت گرفت.

تا دهه ۱۹۸۰ تراز پرداختهای عراق در اثر فروش نفت و کسب ارز از مازاد برخوردار بود به گونه‌ای که این کشور به راحتی برنامه‌های اقتصادی خود را اجرا می‌کرد. با افزایش درآمد صادرات نفت، ارزش دینار عراق نیز افزایش یافت و باعث شد که کالاهای تجاری غیرنفتی عراق در مقایسه با کالاهای وارداتی کمتر قابل رقابت باشد. بنابراین بخش غیرنفتی تضعیف شد و به عبارتی اقتصاد عراق دچار بیماری هلندی (Dutch Disease) شد. با کاهش قیمت‌های نفت در دهه ۱۹۸۰ فشار شدیدی بر تراز

پرداختهای عراق وارد آمد. عراق با کاهش تولید نفت واکنش نشان داد و برای جبران آن به قرض گرفتن از خارج مجبور شد. این مشکل تا پایان جنگ با ایران شدت بیشتری می‌یافت. در مجموع، قیمت‌های نسبتاً کم نفت، پایان یافتن ذخیره ارزی، افزایش واردات، بدهی ناشی از پرداخت به خارجیان همگی باعث شد که تراز پرداختهای عراق منفی شود.

براساس ادعاهای سازمان ملل، تراز تجاری عراق در دهه ۱۹۹۰ از مزاد برخوردار شد؛ چراکه اعمال مجازاتهای اقتصادی میزان واردات را کاهش داده بود و برنامه نفت برای غذا میزان درآمد را از یک سو افزایش داده، و مقداری از بدهی‌ها را نیز پرداخته بود به گونه‌ای که ۲۵ تا ۳۰ درصد از درآمدهای برنامه نفت برای غذا به جبران غرامت خسارات جنگ اختصاص یافته بود. براساس گزارش ماه مه سال ۲۰۰۳ برنامه نفت برای غذا، در اثر فروش نفت به میزان ۳/۲ میلیارد دلار تراز صفر را داشت.^(۹) باید یادآور شد که عراق هیچ‌گونه پرداختی در برابر بدهی‌های خارجی خود پس از سال ۱۹۹۰ انجام نداده بود.

ژوئیه‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رساله جامع علوم انسانی

تورم

همانند سایر شاخصهای اقتصادی، نرخ تورم در عراق نیز در طی دهه ۱۹۹۰ ناهمگن بوده و داده‌های قیمت‌ها افواهی است. قبل از افزایش قیمت‌های نفت، اقتصاد عراق از ثبات قیمتی مناسبی برخوردار بود و نرخ تورم در دوره ۷۳ - ۱۹۶۰ حدود ۵ تا ۶ درصد بود.^(۱۰) این منبع رقم تورم بین سالهای ۷۹ - ۱۹۷۵ را ۱۸ تا ۶۸ درصد محاسبه می‌کند. این افزایش ناشی از جریان نقدینگی بود که در طی جنگ ایران و عراق در دهه ۱۹۸۰ نیز قیمت‌ها روند صعودی داشت؛ چراکه منابع کشور به فعالیتهای نظامی سوق داده شده بود و استقرار از بانک مرکزی نیز حجم پول در گردش را افزایش داده

بود. در سال ۱۹۸۰ میزان تورم ۹۵ درصد ثبت شده و تا سال ۱۹۸۹ به ۴۰۰ درصد افزایش یافته بود. در طی دهه ۱۹۹۰ اوج تورم اتفاق افتاد. دولت به چاپ پول برای جبران هزینه‌ها اقدام کرد تا بتواند مجازاتهای اقتصادی اعمال شده را تحمل کند. نرخ تورم سالانه ۹۱-۱۹۹۰ در بازار آزاد مواد غذایی بیش از ۲۰۰۰ درصد گزارش شده است.^(۱۱)

به نقل از مبنی دیگر نرخ تورم بین سالهای ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۵ به ۵۰۰۰ درصد افزایش یافت.^(۱۲) در دوره ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ به نقل از منبع دیگر تورم قیمتها کاهش یافت و از ۲۰۰ درصد به ۶۰ درصد کاهش پیدا کرد. علت این کاهش را به اجرای برنامه نفت برای غذا نسبت می‌دهند.^(۱۳)

این نرخ تورم شدید، تأثیرات زیادی بر مردم عراق گذاشت. کاهش سطح استانداردهای زندگی از جمله مهمترین پیامدهای آن بود. همچنین ثروتمند شدن عده‌ای محدود و فقیر شدن عده‌ای کثیر از جمله نتایج آن بود. بویژه حقوق‌بگیران دولتی که در آمدشان با تورم هماهنگ نمی‌شد. سلب اعتماد مردم از دینار و کاهش اعتبار آن نزد مردم از جمله نتایج بود که باعث شد اقتصاد عراق دلاریزه شود. بسیاری از مردم عراق سعی بر این داشتند که داراییهای نقد خود را به سایر داراییها از جمله طلا و دلار تبدیل کنند. فرار سرمایه‌ها از جمله دیگر پیامدهای تورم شدید بود به گونه‌ای که افراد پول را از کشور خارج می‌کردند تا از کاهش ارزش آن جلوگیری به عمل آید.

کاهش اعتماد به دینار عراقی و خروج سرمایه‌ها بیش از پیش موجب تضعیف اقتصاد نحیف عراق گردید و دور جدیدی از تورم، کاهش اعتماد به پول رایج و فرار سرمایه‌ها آغاز شد. یقیناً اگر عراق بخواهد در آینده از این مشکل رهایی یابد نیاز به این خواهد داشت که جلو این روند را با اتخاذ سیاستهای پولی مناسب بگیرد.

سرمایه‌گذاری خارجی

سرمایه‌گذاری خارجی مستقیم در دوران حکومت بعثی‌ها به دلیل ملیت‌گرایی اقتصادی مورد توجه نبود. در طی دهه ۱۹۷۰ که ارزش نفت افزایش یافت، عراق مستقیماً از محل درآمدهای نفتی خود پروژه‌های توسعه اقتصادی خود را تأمین مالی می‌کرد. در طی جنگ ایران و عراق (دهه ۱۹۸۰) عراق به ادامه پروژه‌های توسعه اقتصادی خود پرداخت اما این بار برای تأمین مالی آنها به منابع خارجی و استقراض خارجی روی آورد. ولی در مجموع، اصلاحات انجام شده در این راستا در حدی نبود که بتواند سرمایه‌گذاران خارجی را ترغیب کند و بویژه مجازاتهای سازمان ملل علیه عراق مانع سرمایه‌گذاری خارجی شده بود. بنابراین عراق از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی کمتر برخوردار شد و در آینده نیز اگر بخواهد از سرمایه‌گذاری خارجی بهره‌مند شود به ظرفیت‌سازی و نهادینه کردن آن به منظور جذب و تسهیل در بهره‌مندی از چنین سرمایه‌هایی نیاز دارد.

بدهی خارجی

بدهی خارجی عراق عمدتاً ناشی از راه انداختن جنگ علیه ایران اسلامی بود. عراق قبل از آن نه تنها هیچ بدهی خارجی نداشت بلکه در سال ۱۹۸۰ حدود ۳۵ میلیارد دلار ذخیره ارزی داشت. این ذخیره ارزی در همان سالهای اولیه جنگ به پایان رسید. میزان خرید تسلیحات عراق فقط در دهه ۱۹۸۰ بین ۵۲ میلیارد دلار تا ۱۰۲ میلیارد دلار تخمین زده شده است.^(۱۴) با استقراض به منظور تداوم استراتژی توسعه اقتصادی عراق بدهی خارجی شدت بیشتری گرفت. وام‌دهندگان خارجی در ابتدا با این تفکر که تهیه وام برای عراق می‌تواند راهی باشد برای دستیابی به اقتصاد عراق، اقدام کردند ولی با کاهش بهای نفت در اواسط دهه ۱۹۸۰ شوق و اشتیاق این وام‌دهندگان رو به زوال گذاشت.

عراق پس از پایان جنگ با ایران با مشکل بدهی‌های کوتاه‌مدت خود دست به گریبان شد که حدود ۳۵ میلیارد تا ۴۵ ملیارد دلار بود و این بدهیها عمدتاً به کشورهای غربی بود. رژیم عراق در مقابل اقدامات کشورهای غربی برای زمانبندی بازپرداخت این بدهیها مقاومت می‌کرد. براساس محاسبات یک منبع، عراق بیشترین بار بدهی در جهان را از نظر نسبت بدهی به GDP یا نسبت بدهی به صادرات دارد.^(۱۵)

اگر به گستره و ترکیب بدهیهای خارجی عراق توجه شود این ارقام بسیار متفاوت خواهد بود. در سال ۱۹۹۱ هنگام پایان جنگ اول خلیج فارس، عراق به سازمان ملل اعلام کرد که جمع بدهی‌اش ۴۲/۱ ملیارد دلار است.

این بدهی خارجی را در طی پنج سال ۸ درصد بهره نیز شامل می‌شد. ارقام کشورهای DECD نشان می‌دهد که مجموع بدهیهای معوقه عراق تا پایان سال ۲۰۰۱، ۱۸/۴ میلیارد دلار بوده است. این در حالی است که صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و بانک پرداختهای بین‌المللی (Bank of international settlement) این بدهیها را ۲۶/۶ میلیارد دلار اعلام می‌کنند.^(۱۶) مؤسسه EIU نیز مجموع این بدهیها در سال ۲۰۰۲ را ۶۴/۳ میلیارد برآورد کرده است. از این میزان مبلغ ۳۵ میلیارد دلار به صورت بلند مدت و ۲۱/۷ میلیارد دلار بهره معوقه است.^(۱۷)

براساس برآورد مرکز استراتژیک و مطالعات بین‌المللی (CSIS) بدهی عراق بیش از ۱۰۸/۱ میلیارد دلار اعلام می‌شود که ۴۷ میلیارد دلار آن به عنوان بهره محاسبه شده است. این رقم برآورد ۳۰ میلیارد دلاری را که قرار است به کشورهای خلیج فارس پرداخت شود نیز دربرمی‌گیرد.^(۱۸)

بدهیهای خارجی عراق از منابع متعددی نشأت گرفته است. یکی از آنها کمکهای نظامی، تأمین مالی برنامه توسعه اقتصادی، و تضمینهای صادرات به عراق است. این کمکها حدود ۳۵ میلیارد دلار برآورد شده است. در دهه ۱۹۸۰ شوروی و سایر

کشورهای اروپای شرقی و امهایی در قالب کمکهای نظامی و پروژه‌های توسعه اقتصادی بالغ بر ۷ تا ۸ میلیارد دلار به عراق پرداخته‌اند. کشورهای حاشیه خلیج فارس از جمله عربستان سعودی، کویت و امارات متحده عربی برای جنگ با ایران مبلغی حدود ۳۰ تا ۴۰ میلیارد دلار برای عراق تهیه کرده‌اند که به نظر می‌رسد بخشی از این مبلغ اخیر به صورت فروش نفت به جای عراق بوده است. کشورهای عربی این مبالغ را وام تلقی می‌کردند در صورتی که عراق آن را هدیه و کمکی برای جلوگیری از گسترش نفوذ انقلاب اسلامی ایران می‌پنداشت.

در کنار این بدهیها باید به دو نکته اشاره کرد: یکی جبران غرامت خسارتهای وارد شده به کشورهای همسایه از جمله ایران، کویت و برخی کشورهای عربی و دیگر قراردادهای به جا مانده از قبل که با شرکتهای خارجی منعقد کرده است. براساس اظهارات مرکز CSIS اغلب این قراردادها با کشورهای روسیه، هلند، مصر، امارات، چین و فرانسه بوده است. این قراردادها بالغ بر ۵۷/۲ میلیارد دلار برآورد شده که عمدتاً به بخشهای انرژی و ارتباطات از دور مربوط است. البته بسیاری از این قراردادها به دلیل اعمال مجازاتهای اقتصادی به اجرا در نیامده یا تکمیل نشده است.

تحلیل بخشی اقتصاد عراق

بخش نفت

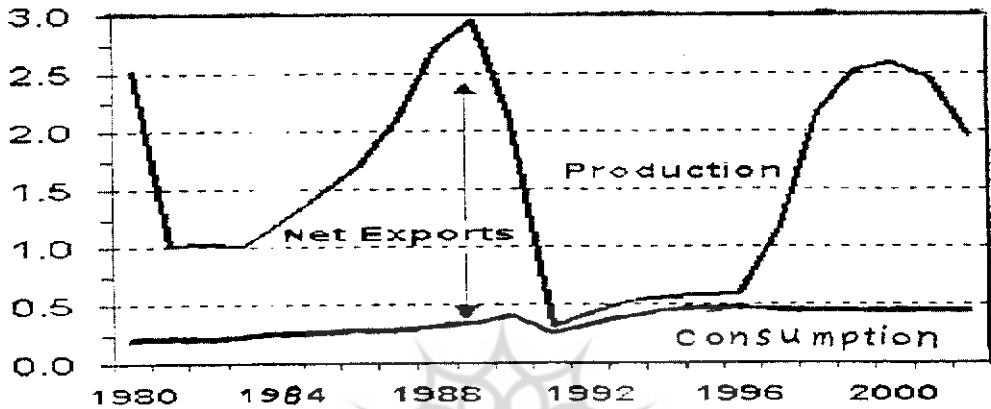
ذخایر نفتی کشف شده عراق ۱۱۲ میلیارد بشکه است و از این نظر مقام دوم جهانی را دارد. وزارت انرژی آمریکا اظهار داشته است که این رقم با احتساب ذخایر احتمالی ممکن است به ۲۲۰ میلیارد بشکه نیز برسد. عراق اخیراً توانست است ۲/۸ میلیون بشکه در روز نفت تولید کند. لازم به توضیح است که این مقدار نفت از ۱۵۰۰ تا ۱۷۰۰ چاه استخراج می‌شود در حالی که امریکاییها روزانه ۵/۶ میلیون بشکه نفت را

از ۱۵۰۰۰۰ چاه استخراج می‌کنند. قابل توجه است که نفت عراق هم به آسانی استخراج می‌شود و هم هزینه کمتری را در بردارد. این سهولت در استخراج از میدانهای نفتی به عراق اجازه می‌دهد که مجدداً به سطح تولید سال ۱۹۸۰ بازگردد بدون اینکه لازم باشد سرمایه‌گذاری عظیمی روی قطعات یدکی، تکنولوژی یا حفر چاه انجام دهد. به توان فوق باید این را افزود که این کشور ۷۳ میدان نفتی شناخته شده دارد که فقط بخش اندکی از آن در حال حاضر در حال تولید است. اگر اقدامات اکتشافی بیشتری صورت پذیرد امکان کشف منابع جدید بویژه در منطقه صحرای غرب عراق وجود دارد. عراق بطور بالقوه می‌تواند به بزرگترین تولیدکننده نفت در جهان مبدل شود. این امر به سرمایه‌گذاری کلان در زمینه خدمات فنی، تجهیزات سرمایه‌ای و زیرساختهای ضروری نیاز دارد. با تکنولوژی مناسب و کارآمد، قطعات یدکی و بازسازی زیرساختهای صنعت نفت این کشور می‌توان میدانهای نفتی عراق را به سطح و کیفیت سالهای گذشته و حتی بیشتر از آن نیز رساند و این به حکومت آینده عراق بستگی خواهد داشت.

وضعیت تولید نفت

وضعیت میزان تولید و مصرف داخلی عراق از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۲ را می‌توان به طور خلاصه از نمودار شماره ۳ دریافت.

در حال حاضر میزان ظرفیت تولید بالقوه عراق حدود $2/8$ تا ۳ میلیون بشکه در روز برآورد می‌شود و میزان صادرات نیز روزانه $2/3$ تا $2/5$ میلیون بشکه برآورد شده است. هم‌اکنون روزانه ۵۰۰ هزار بشکه از حوزه شمالی و ۲۰۰ هزار بشکه از حوزه جنوبی استخراج می‌شود و به مصرف داخلی می‌رسد. واشنگتن پست گزارش می‌دهد که هدف وزارت نفت رسانیدن سطح تولید به $1/5$ میلیون بشکه در هفته است



نمودار شماره ۳: میزان تولید و مصرف نفت عراق در سالهای ۱۹۸۰-۲۰۰۲

منبع: EIA, Feb 2003

درآمد نفتی بالقوه

عراق این ظرفیت و توان بالقوه را دارد که از درآمد کلان نفتی حاصل از صادرات برخوردار شود. این به قیمت‌های جهانی نفت بستگی دارد که در دهه اخیر بین ۱۰ دلار تا ۳۵ دلار در نوسان بوده است. با توجه به ظرفیت تولید قبل از سال ۲۰۰۳ که ۲/۸ میلیون بشکه در روز بوده، عراق می‌تواند روزانه ۲/۳ میلیون بشکه نفت صادر کند. درآمد ناخالص سالیانه با قیمت ۲۲ دلار حدود ۱۸/۵ میلیارد دلار، و با قیمت ۲۸ دلار در حدود ۲۳/۵ میلیارد دلار خواهد بود. هر یک میلیون بشکه روزانه، در سال حداقل ۸ میلیارد دلار و حداکثر ۱۰/۲ میلیارد دلار عاید خواهد کرد.

اینکه عراق چقدر می‌تواند درآمد نفتی به دست آورد به عوامل متعددی بستگی دارد؛ از جمله: میزان تولید، میزان مصرف داخلی، بازار جهانی و بهای نفت و میزان

مشارکت عراق در بازار بین‌المللی نفت بدون کاهش بهای نفت، که این مورد آخر به چگونگی عملکرد سازمان OPEC بستگی دارد.

جدول شماره ۱: تولید نفت عراق: ظرفیت فعلی و بالقوه

دوره زمانی	ماه مه ۲۰۰۳	۱۲ تا ۲۴ ماه آینده	در طی یک دهه
ظرفیت تولید (به میلیون بشکه در روز)	۰/۷	۲/۸ - ۲/۳	بیش از ۶
درآمد سالانه (به میلیارد دلار)	مصرف داخلی	۱۹ - ۲۵	۵۰ - ۶۰

منبع: DOE, Iraq, More Details, A supplement to EIA, Iraq country Analysis Brief. Platts oilgram price Report, May 28, 2003

بخش صنعت

- وضعیت قبلی

قسمت عمده بخش صنعت عراق طی دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ در پی اقدامات دولت در راستای اجرای پروژه‌های توسعه اقتصادی و با استفاده از درآمدهای نفتی ایجاد شد. حتی پیش از آن در زمان حکومت سلطنتی نیز بر فایده‌های توسعه اقتصادی بر توسعه صنعت متمرکز بود و پیشرفته‌سازی کشور دنبال می‌شد. در دهه ۱۹۵۰ حکومت دقت درآمدهای نفتی را برای اجرای پروژه‌های ایجاد زیرساختهای اقتصادی صرف کرد.

پس از سقوط دولت پادشاهی و ملی کردن گسترده صنایع در سال ۱۹۶۴، توسعه صنعتی همراه با برنامه‌ریزی وسیع دولت و بخش عمومی و کنترل آن بر صنعت ادامه یافت. برنامه توسعه صنعتی عراق اهداف زیر را دنبال می‌کرد: (۱۹)

- تنوع بخشیدن به اقتصاد کشور و کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی

- ایجاد فرصتهای شغلی برای نیروی انسانی

- گسترش و به کارگیری منابع داخلی

- تشویق و ترغیب صنایعی که در راستای جایگزینی واردات تولید می‌کردند.

صنعتی کردن عراق در مقیاس کلان در دهه ۱۹۷۰ با افزایش بهای نفت و درآمدهای نفتی آغاز شد. دولت با درآمدهای موجود توانست کارخانجات صنایع سنگین را از کشورهای خارجی وارد کند. چندین منطقه صنعتی در عراق به وجود آمد؛ از جمله درالخیم (تولید مواد معدنی)، در خورالزبیر (کارخانجات آهن و فولاد) و در بصره (مجتمع پتروشیمی) و در اطراف شهر بغداد صنایع سبک از جمله نساجی، صنایع غذایی، کالاهای خانگی ایجاد شد.

در دهه ۱۹۸۰ نیز شوروی سابق و دیگر کشورهای بلوک شرق در پروژه‌های متعددی مشارکت کردند از جمله صنایع فولاد و کارخانه تولید تجهیزات الکتریکی در بغداد، تراکتورسازی در مصیّب و کارخانه فرآورده‌های دارویی در سامرا. کشور رومانی در کارخانه ساخت سیمان در Qaim و SinJar ایجاد کرد.

عراق در راستای کاهش وابستگی اقتصاد به نفت در صدد برآمد که صنایع معدنی را گسترش دهد. در سال ۱۹۷۲ کارخانه ساخت سولفور را در شمال عراق و نزدیکی شهر موصل راه‌اندازی کرد. ذخایر کشف شده سولفور در سال ۱۹۸۸ حدود ۵۱۵ میلیون تن گزارش شده است. اوج تولید این محصول ۱/۴ میلیون تن برآورد شده که ۱/۲ میلیون تن از آن در سال ۱۹۸۹ به خارج صادر شد. در سال ۱۹۸۸ ژاپن‌ها یک کارخانه ساخت اسید سولفوریک را در عراق تأسیس کردند و لذا تولید سولفور این کشور افزایش یافت. کارخانه استخراج و فرآوری فسفات در ناحیه شمال غربی عراق در معادن نزدیک Akashat ایجاد شد. ذخایر این معادن که در سال ۱۹۸۱ مورد

استفاده قرار گرفت حدود ۳/۵ میلیارد تن برآورد شده است. فسفات به دست آمده در کارخانه‌ای در al-Qaim - که به دست بلژیکیها در سال ۱۹۸۴ ساخته شد مورد استفاده قرار می‌گیرد. میزان تولید فسفات در سال ۱۹۸۹ حدود ۱/۲ میلیون تن برآورد شده که ۷۶۶۰ تن از آن صادر شد. در زمینه کود شیمیایی نیز عراق قبل از آغاز جنگ اول خلیج، خودکفا بود.

بخش صنعت عراق در دهه ۱۹۸۰ با مشکلات متعددی روبه‌رو بود از جمله کاهش درآمد ارزی به منظور استفاده از ظرفیت تولیدی کارخانجات موجود، کمبود متخصصان فنی، مواد اولیه لازم و همچنین ضعف و ناکافی بودن سیستم حمل و نقل. بنابر یک منبع خبری حدود ۸۰ درصد از مواد اولیه بخش صنعت از طریق واردات تأمین می‌شد. علاوه بر مشکلات و ضعفهای داخلی بخش صنعت این کشور، مسأله بروز جنگ و مجازاتهای اعمال شده از طرف سازمان ملل متحد نیز بر تولید صنعتی عراق تأثیر زیادی داشت. در طی جنگ ایران - عراق بسیاری از کارخانجات صنعتی خسارت و صدمه دید. در اثر صدمه دیدن بندرها و زیرساختهای کشتیرانی مواد اولیه لازم و مورد نیاز کارخانجات بخوبی تأمین نمی‌شد و لذا میزان تولید کاهش یافت. از سوی دیگر دولت عراق تمرکز خود را به پروژه‌های صنایع نظامی منتقل کرده بود و تصمیم داشت که در سال ۱۹۸۸ برخی از صنایع دولتی را به بخش خصوصی واگذار کند. در بخش تولید صنعتی تقریباً حدود ۵۰ کارخانه دولتی به بخش خصوصی واگذار شد یا در بازار سهام بغداد قرار گرفت و عمدتاً زیر قیمت واقعی بازار به فروش رسانده شد.

جنگ اول خلیج فارس نیز بخش اعظمی از صنایع و زیرساختهای باقیمانده را با بمبارانهای متعدد تخریب کرد. مجتمع صنایع سنگین خورالزبیر کاملاً خسارت دید و به رغم اینکه کار بازسازی روی آن انجام می‌شد، هنوز هم عملیاتی نشده است. صنایعی هم که از صدمات و خسارات جنگ در امان مانده بود نیز به دلیل اعمال مجازاتهای

اقتصادی و تحریم قطعات یدکی و مواد اولیه بین سالهای ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۳ عملاً نمی‌توانستند تولید قابل توجهی داشته باشد. به دلیل کمبود منابع مالی، فرایند بازسازی چندان به حوزه بخش صنعت سرایت نکرد و عمدتاً به صنعت نفت و برخی تجهیزات مورد نیاز به منظور حفظ قدرت رژیم اختصاص یافت.

آینده بخش صنعت چندان روشن نیست. بسیاری از تأسیسات صنعتی تخریب شده و مواد اولیه اندکی از سال ۱۹۹۰ به بعد به این بخش رسیده است. تجهیزات کارخانجات فرسوده و مستهلک شده، و جایگزینی صورت نگرفته است. ظرفیت نیروی انسانی ماهر در طول زمان کاهش یافته است. علاوه بر این فعالیت برخی از صنایع عراق دیگر توجیه اقتصادی ندارد زیرا ظرفیت تولید قبلی براساس اعتبار ملی عراق، سیاست جایگزین وارد است و برخی ملاحظات غیربازاری شکل گرفته بود. برای ایجاد رشد در بخش صنعت، اعمال و اتخاذ سیاستهای نوین تشویقی و تسهیلاتی ضروری است. عراق باید مراقب این باشد که در اثر کسب درآمدهای ناشی از صادرات نفت به بیماری هلندی دچار نشود و سایر بخشهای اقتصاد فدای بخش صنعت نفت نگردد.

بخش کشاورزی

بخش کشاورزی نسبتاً سهم کمی در اقتصاد عراق دارد. پیش از آغاز جنگ اول خلیج فارس، عراق بخش عظیمی از نیازهای محصولات کشاورزی خود را از خارج وارد می‌کرد. به دلیل کمبود مواد اولیه، ضعف روشهای تولید و مدیریت اجرایی ضعیف در بخش کشاورزی، عراق نمی‌توانست از توان بالقوه خود استفاده کند و میزان تولید را افزایش دهد. پس از سال ۱۹۹۱ سیستم آبیاری صدمه دید و بسیاری از محصولات که در منطقه مرکزی و جنوبی عراق کاشته شده بود، کاملاً آسیب دید که جبران این صدمه به سالها زمان نیاز داشت لذا وابستگی عراق به واردات محصولات کشاورزی شدت

گرفت. نبودن بخش کشاورزی قدرتمند، مهاجرت و جابه‌جایی جمعیت روستایی به شهرها باعث شد که مشکلات اجتماعی و بیکاری به سایر مشکلات اقتصادی کشور افزوده شود.

در دو دهه اخیر، بخش کشاورزی تحت فشار جنگها قرار گرفت بویژه جنگ ایران - عراق و جنگ اول خلیج فارس در اواسط دهه ۱۹۸۰ بخش کشاورزی فقط ۱۴ درصد از GDP ملی را به خود اختصاص می‌داد. پس از اعمال مجازاتهای اقتصادی سازمان ملل و خودداری اولیه عراق برای مشارکت با طرح نفت برای غذا، میزان تولید نفت کاهش یافت و سهم بخش کشاورزی از GDP افزایش یافت و در سال ۱۹۹۲ به ۳۵ درصد رسید.

رشد سریع جمعیت عراق در سه دهه اخیر و محدودیت زمینهای قابل کشت و رکود بهره‌وری در بخش کشاورزی میزان وابستگی به واردات مواد غذایی را از دهه ۱۹۶۰ به بعد بسیار افزایش داد. در دهه ۱۹۸۰ عراق حدود نیمی از مواد غذایی خود را وارد می‌کرد. تا سال ۲۰۰۲ نیز تحت برنامه نفت برای غذا بین ۸۰ درصد تا ۱۰۰ درصد بسیاری از محصولات اصلی غذایی را وارد کرده است. اجرای برنامه نفت برای غذا یکی از بزرگترین لطمه‌ها را به بخش کشاورزی عراق وارد کرده است؛ چراکه تولید این‌گونه محصولات، واردات آن دیگر مقرون به صرفه نبوده است. از سال ۱۹۹۶ تا سال ۲۰۰۳ حدود ۱۳ میلیارد دلار صرف برنامه نفت برای غذا شده است.^(۲۰)

در اوایل سال ۲۰۰۳ نیز بخش کشاورزی به دلایل متعدد نتوانسته است خود را باز یابد فقط بخشی از سیستم آبیاری کار می‌کند. حاصلخیزی خاک به دلیل ضعیف شدن خاک و سوء مدیریت کاملاً کاهش یافته است. پرورش طیور و دامداری به دلیل کمبود چراگاه و مراتع و مواد دارویی لازم به منظور جلوگیری از بیماری آنها نیز بسیار تحت تأثیر منفی قرار گرفته است.

عراق دارای ۷/۴۳ میلیون هکتار مساحت است که ۳۴ میلیون هکتار (۷۸ درصد) آن برای کاربرد کشاورزی مناسب است. چیزی کمتر از ۴ درصد به صورت جنگل است که در مرز ترکیه و ایران قرار دارد. ۲۲ درصد (۹/۵ میلیون هکتار) به فعالیتهای کشاورزی اختصاص دارد که نیمی از آن برای کاشت علوفه به کار می‌رود و حدود ۳۴۰ هزار هکتار به محصولات درختی از جمله خرما، انگور، انجیر، زیتون اختصاص یافته است. براساس آمار سازمان FAO در سال ۱۹۸۹ حدود ۲/۵۵ میلیون هکتار تحت آبیاری و کشت قرار گرفته است. (۲۱)

وضعیت کشاورزی قبل از ۱۹۹۱

در سالهای ۱۹۷۹ تا ۱۹۹۰ سرمایه‌گذاری و نظارت بر بخش کشاورزی به بخش خصوصی واگذار شده بود. درآمدهای نفتی حامی محصولات کشاورزی از جنبه پرداخت یارانه و تأمین تکنولوژی بود. در طی دهه ۱۹۸۰ سطح زیر کشت و تولید غلات، میوه و سبزیجات افزایش یافت. البته جنگ با ایران موجب تغییر جهت منابع انسانی و سایر منابع گردید و بخش کشاورزی نیز لطمه دید و واردات مواد غذایی از جمله غلات و گوشت مرغ دو برابر شد. در سال ۱۹۸۹ عراق بیش از ۲/۵ میلیارد دلار کالاهای کشاورزی وارد می‌کرد که ۷۸ درصد غلات و نزدیک ۱۰۰ درصد شکر و روغن نباتی مورد نیاز را تشکیل می‌داد. از سال ۱۹۸۳ تا اواسط سال ۱۹۹۰ عراق نزدیک به ۵ میلیارد دلار اعتبار برای خرید محصولات کشاورزی از امریکا دریافت کرد. (۲۲) عمده برنج مورد نیاز عراق تا اواسط دهه ۱۹۸۰ از امریکا وارد می‌شد.

کشاورزی در دوران اعمال مجازات (۱۹۹۰ تا ۲۰۰۳)

گرچه شرکتهای امریکایی از سرمایه‌گذاری مستقیم در عراق منع شده بودند،

مجازاته‌های سازمان ملل موجب این نشده بود که واردات محصولات کشاورزی ممنوع شود. از آنجا که مسئولان عراقی در سال ۱۹۹۱ به مشارکت در برنامه نفت برای غذا از خود تمایلی نشان نمی‌دادند و عراق نمی‌توانست بطور قانونی نفت صادر کند و لذا درآمدی نداشت، نمی‌توانست محصولات کشاورزی مورد نیاز خود را از بازار بین‌المللی تأمین کند.

از سال ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۴ میزان واردات کشاورزی عراق بطور متوسط بیش از یک میلیارد دلار (چیزی کمتر از نصف میزان قبل از جنگ) بود. پس از سال ۱۹۹۱ قسمت شمال عراق تحت کنترل کردها قرار گرفت و دولت عراق تمرکز خود را بر مناطق تحت کنترل مرکزی و جنوبی قرار داد و نظارت انحصاری دولت روی تولید محصولات اساسی و سیستم سهمیه‌بندی را اعمال کرد. در سال ۱۹۹۳ وضعیت اقتصاد عراق به گونه‌ای بود که بخش کشاورزی ۶ درصد، بخش صنعت ۱۳ درصد و بخش خدمات ۸۱ درصد اقتصاد را به خود اختصاص می‌داد و نرخ تورم نیز ۱۰۰ درصد بود.

افزایش بهای محصولات کشاورزی، انگیزه کشاورزان را برای کاشت و تولید بیشتر افزایش داد ولی میزان بهره‌وری به دلیل کمبود کود شیمیایی، ماشین‌آلات کشاورزی و ابزارآلات سم‌پاشی کم بود. از سوی دیگر جنگ اول خلیج فارس، که در سال ۱۹۹۱ به وقوع پیوست، آسیب چشمگیری به سیستم آبرسانی و آبیاری و زیرساختهای آن وارد آورد. مهاجرت روستاییان به شهرها و کمبود نیروی کار نیز به بهره‌وری بخش کشاورزی آسیب رساند. براساس برآورد Us census Bureau، عراق در سال ۱۹۹۱ حدود ۳/۷ درصد (۶۶۳۰۰۰ نفر) کاهش جمعیت داشت که یا کشته شده یا کشور را ترک کرده بودند.^(۲۳) بسیاری از کسانی که عراق را ترک کردند کارگران خارجی شاغل در بخش کشاورزی عراق بودند.

دامداری و پرورش طیور نیز به دلیل کمبود مراتع و علوفه و داروهای مورد نیاز

کاملاً صدمه دید به گونه‌ای که در سال ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸ در اثر بیماری دامی بسیاری از دامها تلف شدند. در اواسط دهه ۱۹۹۰ مشکلات شدید اقتصادی موجب شد که دولت حمایت از بخش کشاورزی را قطع کند و این خود موجب کاهش شدید سرمایه گذاری در بخش کشاورزی شد و به دنبال آن کاهش مواد غذایی موجب بروز سوء تغذیه در عراق و بویژه در نقاط مرکزی و جنوبی شد.

با توافق عراق و پذیرش برنامه نفت برای غذا، وابستگی عراق به مواد غذایی تقریباً کامل شد. براساس برنامه جهانی غذا تا اوایل سال ۲۰۰۳ نزدیک به ۶۰ درصد از جمعیت عراق بطور کامل به واردات مواد غذایی از طریق سازمان ملل وابسته شده‌اند. با برداشتن مجازاتهای تجاری و مالی در زمینه کالاهای غیر نظامی توسط شورای امنیت سازمان ملل در تاریخ ۲۲ مه سال ۲۰۰۳ عراق می‌توانست غذا و محصولات کشاورزی مورد نیاز خود را وارد کند. آینده بخش کشاورزی عراق به عوامل متعددی بستگی دارد؛ از جمله:

- ایجاد ثبات و امنیت
- سرمایه گذاری چشمگیر در بخش کشاورزی
- بازسازی و احیای سیستم آبیاری و زیرساختهای لازم
- ایجاد زیرساختهای بازار غلات برای انبارداری و ذخیره سازی، توزیع و...
- تأمین ماشین آلات مدرن کشاورزی و تکنولوژی جدید
- تأمین مواد لازم از جمله کودهای شیمیایی

آنچه مسلم است عراق در کوتاه مدت و طی چند سال آینده برای رفع نیازهای داخلی خود همچنان به واردات نیاز دارد و روندها نشان می‌دهد که محصولاتی از قبیل گندم، برنج، غلات، جو، مواد پروتئینی، روغن نباتی، شکر، گوشت و محصولات لبنی احتمالاً از اقلام عمده وارداتی عراق خواهد بود.

بخش خارجی اقتصاد

الف - صادرات

از دهه ۱۹۳۰ نفت عمده‌ترین قلم صادراتی عراق بوده است. صادرات نفت در سال ۱۹۵۳ حدود ۳/۴۹ درصد درآمد ملی عراق را تشکیل می‌داده است. (۲۴) در دهه ۱۹۸۰ براساس محاسبات مؤسسه EIU (Economist intelligence unit) میزان صادرات نفت خام این کشور به ۸۳ درصد کل صادرات بالغ گردید. محصولات صادراتی غیرنفتی این کشور شامل سیمان، میوه، خرما، کود شیمیایی بود. جدول ذیل بیانگر وضعیت صادرات عراق در سال ۱۹۸۹، است:

جدول شماره ۲: صادرات عمده عراق در سال ۱۹۸۹

ارزش (به میلیون دلار)	اقلام صادرات
۱۱۵۴۵/۴	نفت خام
۲۱۱/۳	نفت تصفیه شده
۱۱۹/۸	گازوئیل
۷۸/۸	بنزین
۳۹/۲	انواع سولفور
۳۵/۷	سیمان
۳۰/۸	میوه تازه، خشکبار
۲۹/۶	کود شیمیایی
۲۹/۲	موتورهای واکنش
۲۷/۷	مواد شیمیایی

در سال ۲۰۰۰ رقم صادرات حدود ۲۱/۸ میلیارد دلار بوده که به کشورهای روسیه، فرانسه، سوئیس و چین صادر می‌شده است و در سال ۲۰۰۱ مجموع صادرات عراق ۱۲/۶ میلیارد دلار بود. بزرگترین بازارهای صادرات این کشور عبارت بود از: امریکا (۶/۳ میلیارد)، کانادا (۱/۱ میلیارد)، فرانسه (۸۸۷ میلیون دلار) هلند (۷۹۱ میلیون دلار)، اردن (۷۳۶ میلیون دلار).

با اعمال تحریم و مجازات اقتصادی توسط سازمان ملل، عراق اجازه داشت که هر ۶ ماه به میزان ۲ میلیارد دلار نفت صادر کند. اولین محموله صادرات نفت در ۱۰ دسامبر ۱۹۹۶ تحقق یافت. و اولین کشتی حامل مواد غذایی در ماه مارس ۱۹۹۷ به عراق وارد شد. از آن زمان تا ماه مارس سال ۲۰۰۳ تقریباً ۲۶/۸ میلیارد دلار مواد غذایی، کمکهای بشردوستانه و تجهیزات به عراق فرستاده شده است. فروش نفت طی ۶ ماه در سال ۱۹۹۸ تا ۱۹۹۹ از ۲ میلیارد دلار به ۵/۳ میلیارد دلار افزایش یافت و این به عراق اجازه داد که به واردات بیشتری بپردازد. در سالهای ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ میزان صادرات نفت عراق بسیار کاهش یافت و دلیل آن اختلاف بین سازمان ملل و دولت عراق بر سر قیمت‌گذاری نفت عراق بود. با تغییر فرمول قیمت‌گذاری توسط سازمان ملل در سپتامبر ۲۰۰۱ براساس قیمت‌گذاری قبلی، فروش نفت عراق ۲۵ درصد کاهش یافت.

ب - واردات

عراق قبل از اجرای برنامه نفت برای غذا اقتصاد متمرکز و دستوری داشت که معاملات تجاری از طریق قراردادهای دولتی اعمال می‌شد و بخش خصوصی سهم ناچیزی در این زمینه داشت. عمده محصولات وارداتی این کشور شامل مواد غذایی ماشین آلات، قطعات یدکی، آهن و فولاد و مواد دارویی بود. ده قلم عمده محصولات

وارداتی عراق در سال ۱۹۸۹ (قبل از حمله به کویت) در جدول شماره ۳ ذکر شده است.

در سال ۲۰۰۱ واردات این کشور مجموعاً به ۴/۲ میلیارد دلار بالغ شد. ترکیب این واردات از جنبه عرضه کنندگان عمده به صورت زیر است: (۲۵)

- ۱- فرانسه، ۵۹۲ میلیارد دلار
- ۲- استرالیا، ۴۳۹ میلیون دلار
- ۳- چین، ۳۹۷ میلیون دلار
- ۴- ایتالیا، ۳۲۷ میلیون دلار
- ۵- ویتنام، ۳۲۰ میلیون دلار

جدول شماره ۳: محصولات عمده وارداتی عراق در سال ۱۹۸۹

ارزش (به میلیون دلار)	نوع کالا
۶۱۷/۳	گندم
۱۷۰/۴	تراکتور و ماشین آلات
۱۶۰/۹	آهن و فولاد
۱۴۴/۶	گوشت گاو
۱۳۹/۶	خودرو و مسافری
۱۳۲/۲	برنج
۱۳۰/۷	شمش آلیاژ فولاد و میلگرد
۱۲۴/۵	قطعات و تجهیزات مستعمل
۱۰۵/۴	قطعات و سازه‌های فلزی

منبع: UN trade data

پس از اجرای برنامه نفت برای غذا نیز واردات توسط بخش دولتی و تحت نظارت

سازمان ملل صورت می‌گرفت و محصولات از قبیل مواد غذایی، قطعات یدکی مورد نیاز صنعت نفت، تجهیزات حمل و نقل و ارتباطات (در حد محدود)، و برخی کالاهای مصرفی وارد می‌شد. از سال ۱۹۹۷ تا سال ۲۰۰۳ تقریباً ۶۰ درصد از مردم عراق از نظر مواد غذایی و دارویی به سازمان ملل و برنامه نفت برای غذا وابسته بودند. جدول ذیل بیانگر وضعیت واردات این کشور در طی سالهای مذکور است:

جدول شماره ۴: واردات عراق به هنگام اجرای برنامه OFFP

در سالهای ۱۹۹۷-۲۰۰۳

بخش	ارزش (به میلیون دلار)
مواد غذایی	۱۳/۵
تهیه و حمل غذا	۳/۳
بهداشت و سلامتی	۳
قطعات یدکی صنعت نفت	۳/۶
برق	۳/۵
آب و بهداشت	۲
کشاورزی	۳/۷
آموزش	۱/۱
ارتباطات و حمل و نقل	۲
مسکن	۲/۷
اعتبارات ویژه	۲۹۳/۶

لازم به ذکر است که بنا بر ادعاهای برخی منابع، صدام از طریق کشورهای همسایه خود به فروش غیرقانونی نفت اقدام می‌کرده و منابع مالی لازم را به منظور ادامه حیات رژیم به دست می‌آورده است. گرچه هیچ رقم معتبری در زمینه میزان ارزش تجارت غیرقانونی عراق وجود ندارد، GAO^(۲۶) در ماه مه سال ۲۰۰۲ اعلام کرد که برآورد تجارت غیرقانونی این رژیم در سالهای ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۱ حدود ۶/۶ میلیارد دلار بوده است و کشورهای دریافت کننده این محصولات صادراتی کشورهای سوریه، ترکیه و اردن هستند.^(۲۷)

بازسازی اقتصادی عراق

بازسازی اقتصاد عراق مسأله‌ای است که نظر بسیاری از کشورهای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای را به خود جلب کرده است. بازسازی فیزیکی و زیرساختهای اقتصاد عراق ضرورتی است که برای راه‌اندازی مجدد اقتصاد عراق یک پیش شرط به شمار می‌رود. تضمین و تأمین نیازهای جامعه برحسب اولویت از جمله مواد غذایی، خدمات دارویی و بهداشتی، تأمین امنیت و حداقل رفاه از جمله اولین اموری است که باید تحقق یابد. خسارات وارد شده به زیرساختهای حیاتی در طی جنگ سلطه از جمله آب، برق، ارتباطات، چشمگیر و قابل ملاحظه بوده به گونه‌ای که بسیاری از کارخانجات تولید برق و شبکه آبرسانی از کار افتاده و نبودن برق موجب تشدید مشکل آبرسانی گردیده است. از دیگر خسارتهای وارد شده، بمباران سیستم مخابراتی عراق و قطع خدمات ارتباطات تلفنی بسیاری از مناطق عراق است. کمبود سوخت و بنزین و فلج شدن سیستم حمل و نقل نیز از دیگر مشکلات مردم عراق به شمار می‌رود. بندر مهم ام‌القصر و تأسیسات بندری آن در اثر جنگ دچار خسارت شده است.

فرودگاه‌های این کشور نیز از آسیب در امان نبوده‌اند و در طی جنگ اول

خلیج فارس خطوط هوایی عراق و هواپیمایی ملی این کشور، بسیاری از هواپیماهای خود را از دست دادند که برخی از آنها بالاجبار برای در امان ماندن به کشورهای همسایه از جمله ایران منتقل شدند. در طی دوره مجازاتهای اقتصادی بین‌المللی نیز پروازهای تجاری به عراق قطع، و عملاً خطوط هوایی عراق از بهره‌دهی خارج شد. راه‌اندازی مجدد آن به صرف هزینه‌های هنگفت برای ایجاد ناوگان جدید هواپیمایی نیاز دارد که با توجه به وضعیت فعلی چند سال به طول خواهد انجامید.

برآورد هزینه‌های بازسازی

عراق در بیش از دو دهه اخیر، خود را در معرض سه واقعه مهم قرار داد: اولین مسأله به راه انداختن جنگ تحمیلی و فرسایشی ۸ ساله به جمهوری اسلامی ایران، سپس تجاوز به کویت و اشغال نظامی آن و به تبع آن وقوع جنگ اول خلیج فارس و پیامدهای ناشی از آن از جمله اعمال مجازاتهای اقتصادی و تحریم توسط سازمان ملل و سرانجام، جنگ دوم خلیج فارس پس از واقعه یازده سپتامبر و به بهانه جلوگیری از تکثیر سلاحهای کشتار جمعی است. این وقایع برای این کشور پیامدهای ناگواری را در برداشت که از جمله کمترین آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- نابودی و انهدام بخش عظیمی از زیرساختهای اقتصادی و محیطی

- از بین رفتن سیستم تأمین بهداشت و سلامت عمومی

- تنزل شدید شاخصهای اقتصادی و اجتماعی

- از بین رفتن ذخایر ارزی و ایجاد بدهی‌های خارجی سنگین (۱۱۶ میلیارد دلار)

- کاهش مشارکت و سرمایه‌گذاری شرکتهای خارجی

- عدم تأمین هزینه‌های عمومی

- تورم شدید و افزایش بیکاری

- فقر عمومی

براساس گزارش بانک جهانی درآمد سرانه عراق در سال ۱۹۸۰ حدود ۳۶۰۰ دلار بوده است که این رقم در سال ۲۰۰۱ به ۷۷۰ تا ۱۰۲۰ دلار، و در سال ۲۰۰۳ به ۴۵۰ تا ۶۱۰ دلار کاهش یافته است. بانک جهانی برآورد می‌کند که درآمد سرانه این کشور در پایان سال ۲۰۰۴ نیز کمتر از میزان سال ۲۰۰۱ خواهد بود.^(۲۸) همین منبع میزان نرخ بیکاری را ۵۰ درصد اعلام می‌کند. مؤسسه EIU^(۲۹) میزان تورم در سال ۲۰۰۳ را ۷۵ درصد اعلام کرده است. برای درک بهتر میزان آسیب وارد شده به اقتصاد عراق به ارقام بانک جهانی در رابطه با میزان GDP عراق در سالهای ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۴ اشاره می‌شود:

سال	حداقل (به میلیارد دلار)	حداکثر (به میلیارد دلار)
۲۰۰۱	۱۹	۲۵
۲۰۰۲	۱۵	۲۰
۲۰۰۳	۱۲	۱۶
۲۰۰۴	۱۵	۲۰

در زمینه برآورد هزینه‌های بازسازی اقتصاد عراق منابع گوناگون، پیش‌بینی‌های متفاوتی را ارائه می‌کنند؛ بطور مثال بانک جهانی و سازمان ملل پیش‌بینی می‌کنند که برای امور اجرایی، بهداشت، آموزش، اشتغال، زیرساختها و کشاورزی و آبرسانی مبلغ ۳۶ میلیارد دلار مورد نیاز باشد. امریکاییها نیز پیش‌بینی می‌کنند که برای بخش امنیت، صنعت، نفت، امور خارجه، امور فرهنگی و مذهبی و مسائل زیست محیطی، عراق به ۱۹ میلیارد دلار نیاز دارد. لذا جمعاً ۵۵ میلیارد دلار را برآورد می‌شود. این مبلغ به

گونه‌ای توسط علی علوی وزیر بازرگانی عراق نیز اعلام شده است.^(۳۰)

یاسوفوکودا سخنگوی دولت ژاپن در یک کنفرانس خبری اعلام کرده است که "بازسازی عراق موضوع بسیار مهم برای تمامی جامعه بین‌الملل به شمار می‌رود." ژاپن ده درصد هزینه بازسازی راه، که بانک جهانی آن را برآورد کرده باشد، پذیرفته است که در زمینه برق، آموزش، شبکه آبرسانی و بهداشت صرف شود. در حال حاضر ژاپن ۱/۵ میلیارد دلار را عملاً تأمین کرده که طی چهار سال آینده یعنی سالهای ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۷ قرار است به پنج میلیارد دلار بالغ شود.

مهدی الحافظ وزیر برنامه‌ریزی عراق، اولویتهای بازسازی را در زمینه آب، برق، آموزش و بهداشت اعلام، و هزینه آن را نیز ۵۰ میلیارد دلار برآورد کرده است.^(۳۱) وی در اجلاس صندوق بین‌المللی پول در دوی چین اظهار داشته است که سازمانهای بین‌المللی هزینه بازسازی عراق را در سالهای ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۷ یکصد میلیارد دلار برآورد کرده‌اند.^(۳۲)

امریکا سعی دارد که هزینه‌های بازسازی عراق را به گونه‌ای تسهیم کند و دیگر کشورهای هم پیمان را نیز در تأمین این هزینه مشارکت دهد. دولت امریکا ضمن تقاضای ۲۰/۳ میلیارد دلار از کنگره توانسته است مشارکت برخی کشورها از جمله ژاپن (۱/۵ میلیارد)، انگلستان (۹۱۰ میلیون دلار)، کانادا (۳۰۰ میلیون دلار) و اتحادیه اروپا (۲۳۳ میلیون دلار) را جلب کند. ژاپن همچنین اعزام نیرو به عراق را پذیرفته است. رئیس بانک جهانی - جیمز ولفنسن^(۳۳) - در ماه جولای سال ۲۰۰۳ اعلام کرد که کمک این بانک برای بازسازی عراق، پس از ایجاد یک دولت منتخب، عملی خواهد شد. این بانک هزینه بازسازی را ۱۰۰ میلیارد دلار یا حتی بیشتر از آن برآورد کرده است.^(۳۴) منبع دیگری نیز هزینه‌های بازسازی عراق را ۱۰۰ میلیارد دلار برآورد کرده است.^(۳۵)

در بین کشورهای اروپایی در رابطه با کمک به بازسازی عراق اجماع نظر وجود ندارد به گونه‌ای که جک استراو در کنفرانس مادرید اعلام کرد که انگلستان ۳۷۵ میلیون یورو در طی دو سال آینده به بازسازی عراق کمک خواهد کرد و از اعضای شورای امنیت خواهد خواست که به بازسازی عراق کمک کنند. وزرای خارجهٔ اتحادیه اروپایی نیز در کنفرانس مادرید پذیرفتند که ۲۰۰ میلیون یورو برای سال ۲۰۰۳-۴ به بازسازی عراق اختصاص دهند. از سوی دیگر برخی کشورها از جمله آلمان و فرانسه اعلام کرده‌اند که کشورهای با اولویت تری وجود دارند که از منافع نفتی نیز برخوردار نیستند؛ از جمله افغانستان، فلسطین و لیبیا. آنها معتقدند همان کسانی که عراق را به این روز انداخته‌اند خودشان باید این خسارت را جبران کنند.

برخی از مسئولان عراقی با گرایش ضمنی به شرکت‌های آمریکایی در بازسازی عراق آنها را در اولویت می‌دانند؛ بطور مثال وزیر نفت عراق با استقبال از سرمایه‌گذاری خارجی خواستار بازسازی صنعت نفت توسط آنهاست. احمدالموسوی جانشین شورای حکومتی عراق اظهار داشته است که «فکر می‌کنم حکومت آینده عراق به شرکت‌های آمریکایی و هم پیمانان آن روی خوش نشان می‌دهد؛ چراکه آنها اولین کسانی هستند که به ما کمک می‌کنند». وی همچنین اعلام کرد که قراردادهای نفتی قبلی با روسیه و چین و دیگران را مطابق با شرایط مورد بررسی مجدد قرار خواهند داد و براساس منافع عراق تصمیم‌گیری خواهد شد. (۳۶)

بانک‌های عراقی درصدد انقصاد قرارداد با بانک‌های امارات متحده عربی در زمینه تأمین مالی پروژه‌های ایجاد زیرساختها هستند. همچنین مؤسسه عراقی IBA درصدد تأمین مالی پروژه‌های مشترک با مشارکت امارات متحده عربی است.

رئیس مؤسسه IBA در دیداری از دویی نیز اظهار داشت که ما می‌خواهیم با جامعه تجاری دویی در زمینه بانکداری، بخش مالیه، بازسازی عراق و بخش تجارت مشارکت

داشته باشیم. منابع، تجارب و متخصصین دویی می‌توانند در فعالیت‌های تجاری و همکاری بازرگانی مؤثر واقع شوند و پروژه‌های متعددی را به اجرا درآورند. رئیس منطقه آزاد تجاری جبل علی از عراقی‌ها دعوت کرده است که در این منطقه تجاری فعال شوند و از بهترین خدمات و تسهیلات برخوردار شوند. مؤسسه عراقی IBA نیز قصد دارد در فرایند بازسازی عراق، از مشارکت دویی برخوردار شود و در ایجاد زیرساختها و رشد اقتصاد عراق و تقویت آن بهره‌گیرد. در حال حاضر عراق در این منطقه آزاد تجاری فعالیت‌های ذیل را دارد:

- حدود ۲۰ شرکت عراقی در این منطقه فعال هستند.
- تعداد واحدهای تجاری عراقی در دویی بیش از یکهزار واحد است.
- شورای بازرگانی عراق در دویی حدود ۳۵۰ عضو فعال دارد.
- شرکت عراقی (Iraq National offshore) INO در این منطقه فعال است.
- دفتر مؤسسه IBA فعال است.

آنچه مسلم است بازسازی این کشور از توان خود عراقیها خارج است و نیاز به همکاری سایر کشورها قطعی است. در این وضعیت ایران به دلیل همسایگی، وجود امکانات فنی و نیروی انسانی متخصص و اشتراک مذهبی و فرهنگی با مردم عراق می‌تواند نقش مهمی را در اجرای پروژه‌های بازسازی عراق ایفا کند.

سازمانهای امریکایی دخیل در بازسازی

امریکاییها با ارائه گزارشهای مختلف سعی بر این دارند که خسارت وارد شده به اقتصاد عراق را به قبل از اشغال نظامی نسبت دهند و بخش عمده آن را ناشی از ناکارآمدی مدیریت صدام حسین معرفی کنند. آنان معتقدند عراق حدود ۴۰ سال دچار کمبود سرمایه‌گذاری بوده و تحت رژیم صدام، مدیریت ناکارآمدی اعمال شده

است و به مثابه این است که کسی بخواهد اتومبیلی را که در دهه ۱۹۵۰ تولید شده با سرعت ۱۰۰ کیلومتر در ساعت براند. با زیاد شدن فشار همه چیز درهم خواهد شکست. همه چیز در بغداد خلاصه شده است.

یکی از شرکتهای عظیم امریکایی به نام Bechtel، که قصد دارد در پروژههای بازسازی سیستم برق، آب و آبرسانی، ارتباطات از راه دور، بندرها و فرودگاهها، مدارس، بیمارستانها و ایستگاههای آتش نشانی فعالیت کند، برآورد کرده است که هزینه ایجاد سیستم برق ۱۵ میلیون دلار خواهد بود در حالی که سازمان ملل آن را ۱۲ میلیارد دلار برآورد می کند.^(۳۷) این شرکت که از طرف واینبرگر و جرج شولتز حمایت می شود، حدود ۴۷ هزار نفر پرسنل دارد و در سطح جهانی درآمد آن ۱۱/۶ میلیارد دلار است و سابقه طولانی در عراق دارد به نحوی که سابقه تعدادی از کارکنان آن به قبل از جنگ اول خلیج فارس برمی گردد. ۷۰ درصد از مقاطعه کاران فرعی این شرکت با شرکتهای عراقی ارتباط دارند و بین ۵ هزار تا ۱۰ هزار عراقی را به استخدام خود درآورده است. به رغم این ویژگیها، شرکت مذکور با مهمترین مشکلی که روبه روست، تأمین امنیت و فضای مناسب برای فعالیت است.

علاوه بر این شرکت عظیم امریکایی، سازمانهای امریکایی دیگری در بازسازی عراق دخیل هستند؛ از جمله:

۱ - دفتر بازسازی و کمکهای بشردوستانه (ORHA)

۲ - واحدهای مهندسی ارتش امریکا

۳ - مقاطعه کاران خصوصی از جمله Halliburton

۴ - سازمانهای غیر دولتی (NGOs)

۵ - نیروهای نظامی ائتلاف

برنامه‌های آزاد سازی اقتصاد عراق

عمده راه‌حلها و راهکارهای پیشنهادی برای بازسازی اقتصاد عراق به نظام اقتصاد آزاد منتهی می‌شود. علی‌الامیر علوی وزیر بازرگانی عراق، راه‌حل نجات اقتصاد عراق را دوری جستن از سیاستهای گذشته و جدایی از اقتصاد سوسیالیستی مارکسیستی بیان، و مشکلات کشورهای اروپایی شرقی را نیز ناشی از پیروی از اقتصاد سوسیالیستی بیان می‌کند. وی اعلام کرده است که می‌توانیم اقتصاد عراق را به سرعت به سوی نظام بازار آزاد سوق دهیم و بیکاری را برطرف کنیم و ثبات سیاسی را افزایش دهیم.^(۳۸) در راستای حرکت به سوی نظام اقتصاد آزاد برنامه‌هایی در نظر گرفته شده که عبارت است از:

- اجرای اصلاحات اقتصادی و ایجاد ثبات
- واگذاری تمامی بخشها - به جز نفت - به بخش خصوصی
- اختصاص ۷۰ میلیارد دلار برای تأمین مالی فرایند بازسازی در طی ۴ تا ۵ سال آینده.
- سرمایه‌گذاری بانکهای خارجی در پروژه‌های بازسازی
- حفظ سقف مالیات در حد ۱۵ درصد
- تعیین نرخ تعرفه‌ها در حداکثر ۱۵ درصد
- شروع فعالیت ۶ بانک خارجی
- ایجاد بانک مرکزی مستقل و همچنین بانک تجارت از طریق کنسرسیوم متشکل از ۱۳ بانک خارجی
- بازگرداندن عراق به عرصه اقتصاد جهانی
- سرمایه‌گذاری در زمینه آموزش، بهداشت، زیرساختها، پلیس، ارتش، نظام حقوقی
- نوین، پول رایج جدید، نظام قضایی جدید و برقراری نظام دموکراسی
- ایجاد مناطق آزاد تجاری

برنامه‌های رژیم اشغالگر قدس در بازسازی عراق

رژیم اشغالگر قدس در راستای اهداف شوم و تجاوزگرانه خود و به دنبال آرزوی تسلط بر نیل تا فرات به مشارکت در بازسازی اقتصادی عراق می‌اندیشد و در این راستا تاکنون اقداماتی را انجام داده است و قصد دارد اقداماتی را نیز در آینده به انجام برساند. جان تیلور معاون خزانه‌داری امریکا بنگاه‌های اسرائیلی را به کار، سرمایه‌گذاری و مشارکت در زمینه‌های مختلف بازسازی عراق فرا خوانده است.

پنج شرکت اسرائیلی که در زمینه‌های مختلف فعالیت دارند برای کار در عراق اظهار تمایل کرده‌اند. این شرکتها عبارتند از:

۱- شرکت ساختمانی Solel Boneh Arenson

۲- شرکت ساخت دربهای فولادی Shiryonit Hosem

۳- شرکت تسویه آب و سیستمهای آبرسانی Tami 4

۴- شرکت Tanurgas

۵- شرکت Tiberius

مواردی که مقامات اسرائیلی به آن می‌اندیشند یا اقداماتی را نیز به صورت مقدماتی انجام داده‌اند عبارتند از:

- برقراری خط لوله موصل به حیفا

- ایجاد خط آهن بغداد به منطقه مدیترانه، حیفا، و شمال اردن

- اعطای مجوز کلی توسط بنیامین نتانیاهو وزیر دارایی این رژیم برای برقراری رابطه

تجاری با عراق در ماه جولای ۲۰۰۳

- سفر نمایندگان صنایع اسرائیل به بغداد برای بررسی فرصتها و امکانات مشارکت در

فرایند بازسازی عراق

- بررسی تأسیس دفترهای تجاری در عراق

- بررسی بازار مصرف عراق برای کالاهای اسرائیلی (بازاری با حداقل ۱۵ میلیون مصرف کننده)

- برگزاری کنفرانس یک روزه تحت عنوان «How to make business in Iraq»
- فروش کالاهای اسرائیلی از طریق کشورهای ثالث با برچسب و مارک غیر اسرائیلی (از جمله ترکیه و اردن) تردیدی وجود ندارد که رهبران رژیم اشغالگر قدس از هر فرصتی برای ایجاد ثبات و صلح در منطقه و ایجاد بستر مناسب برای گسترش روابط اقتصادی و ایجاد وابستگی اقتصادهای منطقه به اقتصاد اسرائیل استفاده خواهند نمود و در این موقعیت، عراق را فرصتی مناسب تلقی می کنند. لازم به ذکر است که شیمون پرز و حامیان وی با طرح خاورمیانه جدید و با تأکید بر مناسبات اقتصادی از جمله طرحان اصلی این طرز تفکر هستند.

نتیجه گیری و چشم انداز آینده

کشور عراق در دهه ۱۹۸۰ یکی از قدرتمندترین اقتصادها در بین کشورهای عربی بود و بطور نسبی از زیرساختهای اقتصادی مناسبی برخوردار بود. عراق با تحمیل جنگ ۸ ساله به ایران موجبات تضعیف اقتصاد هر دو کشور و وارد آمدن آسیب به زیرساختهای اقتصادی را فراهم آورد. از سوی دیگر با تجاوز به عراق و اشغال این کشور، باعث بروز جنگ اول خلیج فارس و در پی آن، تحمیل ۱۳ سال تحریم از سوی سازمان ملل گردید. با قطع صادرات نفت عراق از یک سو و وابستگی شدید درآمد ارزی این کشور (در حد ۹۵ درصد) به نفت، عمده تأسیسات اقتصادی و صنعتی آن نیز دچار فرسودگی و استهلاک گردید.

با وقوع جنگ دوم خلیج فارس و حمله امریکا به عراق و اشغال این کشور توسط امریکا وضعیت اقتصادی عراق رو به وخامت بیشتری گذاشت و مهمترین منبع درآمد

ارزی آن عموماً تحت کنترل امریکاییها قرار گرفت و نتیجتاً اقتصاد عراق با مشکلات اقتصادی متعددی مواجه شد.

یکی از بزرگترین مشکلات پیش روی اقتصاد فعلی عراق، بیکاری گسترده است به گونه‌ای که براساس برآوردها حدود ۵۰ درصد از جمعیت آن یا بیکار هستند یا بیکاری پنهان دارند. دولت فقط ۳۰ درصد از نیروی کار موجود را به کار گرفته و واحدهای دولتی که عمده‌تاً ناکارآمد هستند نیز ۵۰۰ هزار نفر را به کار گرفته‌اند. بانک جهانی نسبت به تعطیل شدن ۱۹۲ بنگاه دولتی هشدار داده است.

یکی دیگر از مشکلات بازسازی اقتصاد عراق، مشکل ظرفیت جذب سرمایه توسط اقتصاد عراق است. حتی اگر جامعه جهانی نیز در بازسازی عراق مشارکت کند مشکل جذب سرمایه‌ها و منابع به قوت خود باقی است به گونه‌ای که نمی‌توان در سال اول بیش از ۵ میلیارد دلار هزینه نمود و تجربه سایر مناطقی که دچار جنگ شده‌اند نشان می‌دهد که در سالهای بعد این رقم به ۸ تا ۹ میلیارد دلار افزایش خواهد یافت و بیش از آن امکانپذیر نیست.

نفت عراق که در طی سالهای ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۱ به حدود ۲/۵ میلیون بشکه در روز رسیده بود در طی سال ۲۰۰۲ بطور متوسط به ۲/۰۴ میلیون بشکه کاهش یافت. در ماه‌های آخر سال ۲۰۰۲ و اوایل سال ۲۰۰۳ میزان تولید نفت افزایش یافت و در اوج خود در ژانویه ۲۰۰۳ به ۲/۵۸ میلیون بشکه در روز رسید. صادرات و فروش نفت عراق پس از اشغال، توسط سازمان SOMO^(۳۹) که تحت نظارت CPA است صورت می‌گیرد. اولین فروش این سازمان در ۵ ژوئن سال ۲۰۰۳ با صادرات ۸ میلیون بشکه از کرکوک و ۲ میلیون بشکه از بصره انجام گرفت. دومین محموله این سازمان، در سوم جولای ۲۰۰۳ با ۸ میلیون بشکه از بصره به انجام رسید. در اواخر جولای ۲۰۰۳ این سازمان، اولین قرارداد نفتی خود در زمینه نفت سبک بصره را به امضا رساند. عراق به

دلیل وجود مشکلات در بندر جنوبی البکر، نتوانسته است بطور متوسط روزانه بیش از ۵۴۵ هزار بشکه از زمان این قرارداد صادر کند.

با توجه به نامشخص بودن درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت از یک سو و هزینه‌های کلان بازسازی اقتصاد عراق از سوی دیگر، مشکل تأمین منابع مالی برای بازسازی اقتصاد عراق از مشکلات اصلی بازگشت اقتصاد عراق به عرصه اقتصادی جهانی به شمار می‌رود. این مشکل هنگامی که در کنار بدهیهای خارجی عراق قرار می‌گیرد فضا را بسیار نامناسب می‌نمایاند زیرا که براساس برخی برآوردها عراق ۱۰۵ میلیارد دلار بدهی خارجی دارد که باید پرداخت غرامت ۲۸ میلیارد دلاری به کویت را نیز افزود. از عهده چنین تعهداتی برآمدن و جبران خسارات وارد شده به اقتصاد از توان این کشور خارج است و با توجه به اشغال و سلطه نیروهای ائتلاف و نبودن امنیت که بستر و لازمه اصلی سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی است، نمی‌توان آینده امیدوارکننده‌ای را برای عراق متصور بود.

یادداشتها

1 - Oil for food Program

۲ - لازم به ذکر است که ژنرال عبدالسلام با حمایت حزب بعث به قدرت رسید و در سال ۱۹۶۶ در سقوط هلیکوپتر به قتل رسید. ژنرال عبدالرحمان عارف برادر عبدالسلام یکی از رؤسای ستاد و نیروهای مسلح عراق بود.

3 - Khor Al - zubair

4 - Abbas Al-Nasrawi, Iraq's Burdens: Oil, Sanctions, and underdevelopment, Greenwood Press, 2002, P.103

5 - GAO, Rebuilding Iraq, May 15,2003,Enclosure 1,P.6. Source,Global Insight

6 - Ibid

7 - Economist Intelligence Unit,country Profil: Iraq 1995 - 1996, P.13

8 - Helen Chapin Metz. Iraq. a country study,1999,P.131

9 - United Nations, Office of the Iraq Program, oil for food Program site, [http://www.un.org/Depts/oip/]

10 - Abbas Al - Nasrawi, the Economy of Iraq, Greenwood Press, 1994,P.164

- 11 - Jonathan E. Stanford, Iraq's Economy:..., 2003, P.13.
- 12 - Anthony Cordesman & Ahmad Hashim, Iraq: sanctions and beyond, P.141
- 13 - EIU, country Profile: Iraq, 2002, P.3
- 14 - Jonathan E. Stanford, Iraq' Economy:...,2003, P.14
- 15 - AL - Nasrawi. Iraq's Burdens: Oil, Sanctions and Underdevelopment, P.145.
- 16 - Jonathan E. Stanford, Iraq' Economy:...,2003, P.15
- 17 - EIU. Country Profile: Iraq, 2002. table t6
- 18 - CSIS, A wiser Peace: An Action strategy for Post - conflict Iraq Jan.23,2003
- 19 - Tariq al - Khudayri, Iraq's Manufacturing industry: Status and Prospects for Rehabilitation and Reform, in sanford, Iraq Economy..., P.31
- ۲۰ - روزنامه همشهری، "فساد اقتصادی در بازسازی عراق"، ترجمه، یکشنبه ۱۱ آبان ۱۳۸۲.
- 21 - WWWexport. gov/pdf/crs - Iraq economy:.... June 2003, P. 24.
- 22 - http: //161. 203. 16.4/d22t8/142766. Pdf
- 23 - http://WWW.Census. gov/ipc/WWW/idbacc.html
- 24 - Slugett M.& Slugett P. Iraq since 1958: From revolution to dictatorship Newyork: KPI LTD, 1987. P.35 in Iraq Economy:.... P.33.
- 25- E.stanford, Iraq's Economy:... داده‌های تجاری صندوق بین‌المللی پول (IMF) به نقل از
- 26 - General Accounting Office
- 27 - General Accounting office, weapons of Mass Destruction: UN confronts significant challenges..., May 2002
- 28 - http: WWW\Iraq's economy to decline furthur - Washington times\ United Press international htm.
- 29 - Economist Intelligence unit
- 30 - http: WWW\ Business. htm
- 31 - http: WWW\GN online \$ 50 bn foreign aid for four years of reconstruction, htm.
- 32 - Kate Beddall, US will not pay for rebuilding of Iraq: Berner, Arab News, sep. 2003.
- 33 - James Wolfenson
- 34 - http: WWW\eia.doe.gov\ country Analysis Briefs, August 2003
- 35 - Henry T. Azzam, Iraq liberalizing a shattered Economy, Arab News, 2003
- 36 - http: WWW\ GN online Iraq plans to double output 2005. htm
- 37 - http: WWW\ BBC News Business the challenge of rebuilding Iraq. htm.
- 38 - THomas crampton, "Iraq offical warns on fast economic shift", Herald Tribune, october 14,2003
- 39 - State Oil Marketing Organization.

